

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار - بررسی اخبار علاجیه در نگاه سیستمی و مجموعی

برگه جلسه :

صفحه 1667 و 1668

(جلسه هشتاد و ششم)

رفتارشناسی ولد المؤمنس آية الله حایری<sup>1</sup>

محقق مرتضی حایری - قدس سره - در مسأله به سی و سه روایت اشاره و در مقام جمع بین آنها به اموری اشاره می‌کند، بدین قرار:

1. انه و ان اشتهر بینهم ثبوت ادلة دالة على التخيير - بنحو الاطلاق او في المتعادلين - لكن الظاهر عدم ثبوت ذلك. ایشان، همانند محقق خوبی روایات تخییر را - با روش فقه ریاضی - رمی به ضعف سند، یا دلالت می‌کند، و به گونه‌ای خاص آن روایات را خارج از حوزه تخییر مورد بحث - مثل حمل بر تخییر واقعی - توجیه می‌نماید (ص 256 و 257).

2. بعد ما فرضنا سقوط اخبار التخيير، فليس في البين الا اخبار التوقف و الترجيح.

3. در این صورت بحث را - در دو فرض تعادل و عدم تعادل برگزار می‌کند:

فرض اول را - به نوبه خود - به دو فرض تقسیم می‌کند: فرض امکان رفع جهل و انفتاح که در این صورت باید توقف کرد؛ و با عدم امکان توقف (و احتیاط) تخییر عقلی حاکم است، هر چند احوط را در رجوع به اصل یا قاعده‌ای می‌داند که مطابق یکی از دو طرف تعارض است (ص 257 و 258).

و در فرض انسداد باب علم و عدم امکان رفع جهل می‌فرماید: چنین فرضی از ادله توقف و ترجیح خارج است، باید به قاعده رجوع کرد و اقتضای قاعده هم چیزی جز تخییر نیست (ص 259).

4. ایشان، فرض دوم (فرض وجود مرجح<sup>2</sup> و عدم تعادل طرف‌های تعارض) را نیز به دو بخش تقسیم می‌کند: فرض انسداد و عدم تمکن از رفع جهل و فرض انفتاح .

در فرض انسداد اخذ به نو المرجح را لازم می‌داند، بدون این که روایات دال بر توقف از اخبار علاجیه مزاحم آن باشد (لاختصاصها بصورة التمکن من رفع الجهل) (ص 258).

در فرض انفتاح

بیان ایشان به قرار ذیل است:

«و لها ايضا قسمان:

احدهما: فرض امکان الاحتیاط، ثانيهما: فرض عدم امکانه.

اما الاول فحيث لا يمكن تخصيص اطلاق التوقف بغير ذي الترجيح - لقلة عدم وجود الترجيح - و لا يمكن اختصاص ادلة الترجيح بما إذا انسد العلم بالحكم في المسألة - لورودها في مورد الانفتاح خصوصا مثل المقبولة - فالظاهر هو التخيير بين الترجيح والتوقف مع افضلية التوقف و الاحتياط كما هو واضح عقلا و هو الظاهر من ادلته - كخير مسائل الرجال و خبر الميثمي عن الرضا - عليه السلام - و هو جمع عرفي.

بل لا تعارض اصلا، لأن مقتضى أدلة الترجيح ليس إلا حجية ذي الترجيح، لا وجوب العمل في قبال الاحتیاط كما في حجية اصل الخبر و ليس مقتضى الامر بالتوقف هو الوجوب كما هو المعروف عند المحققين بل مفاده البعث اليه و هو حجة على الوجوب في

ما لم تقم قرينة على الجواز. هذا في ما يمكن فيه الاحتياط.

(پایان جلسه)

و أما في ما لا يمكن فيه الاحتياط - و هو القسم الثاني - فالظاهر ايضا هو التخيير بين التوقف و التخيير في العمل و الاخذ بذى الترجيح و ذلك لأنه لا يمكن حمل موثق سماعه على غير ذى الترجيح للتخصيص بالفرد النادر و لا يمكن حمل دليل الترجيح في قبال التوقف على صورة امكان الاحتياط لانه إذا جاز الترجيح في مورد امكان الاحتياط جاز الترجيح في غيره بالاولوية فالعرف يأبى عن التخصيص المذكور و التخيير بين الامرين هو الجمع العرفي بل لا تعارض كما تقدم وجهه» (ص 259 و 260). محقق حائري با همه تلاشی که از خود صورت داده است - البته - به برخی نکات اشاره نکرده است و قدری فارغ از ملاحظه ادله، حل مسأله را مدیریت کرده است. در مطاف آخر در حل مسأله، نکات مورد نظر بیان می شود.

**ختم کلام**

در متون اصول فقه امامیه تلاش‌های دیگری نیز صورت گرفته است که یا فاقد عنصر جدید برای بحث و گفتگو است و یا به قصد تلخیص و واگذاری به مطالعه مخاطبان از بیان آن‌ها می‌گذریم. در نهایت این بخش، باید توجه مخاطبان را به برخی ادعاهای غیر مستند جلب کرد، تا در داوری به قضاوت غیر واقع نرسیم؛ مثلاً شیخ اعظم روایات دال بر تخییر (از اخبار علاجیه) را مستفیض بلکه متواتر می‌داند،<sup>3</sup> و این در حالی است که برخی آن را به ضعیف در سند و در دلالت یا در یکی از این دو تقسیم کردند. در مقابل ادعا شده فقط یک روایت سالم وجود دارد،<sup>4</sup> که البته اگر آن ادعا از شیخ اعظم پذیرفته نیست - که نیست<sup>5</sup> -، نباید با رفتار مدرسه‌ای و ریاضی با اخبار تخییر، آن را تا حد یک خبر تقلیل داد. رفتار با روش مزبور، - به حق - مورد قبول شیخ اعظم نیست.

**و الحمد لله رب العالمین.**

1. مبانی الاحکام فی اصول الشرائع الاسلام، ج 3، صص 269-55.

2. البته به قرینه آن چه بعداً بیان می کند (در ص 269) مرادش از عدم تعادل و بودن مزیت در یکی از متعارض ها، بودن مزیت های منصوص است. و در مزیت های غیر منصوص، بخش مستقلی برای بحث و گفتگو باز می کند (از ص 269...).

3. فرائد الاصول، ج 4، ص 39.

4. الرسائل، ج 2، ص 48.

5. ر.ک: کتاب التعارض، ص 227.

**مشروح درس :**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

انتهای بحث از رفتار شناسی عالمان اصول راجع به اخبار علاجیه هستیم. آخرین شخصیتی که از حوزه ی قم و تفکر قم داریم ولد المؤسس مرحوم آقا شیخ مرتضی حائری است. ایشان کتاب اصول فقهی دارد به نام مبانی الاحکام که ظاهراً همه اش به قلم خود ایشان است. ایشان در مواجهه با اخبار علاجیه مطالبی دارد، برخی تکرار حرف دیگران است که قبلاً آشنا شده ایم اما عمده ی مسائل ایشان تأسیس است ولو در ساختار و شکل نه در محتوا.

اولین مطلبی که تکرار است این است که اگر چه مشهور است که ما در بین روایات علاجیه ادله ای داریم دال بر تخییر (شیخ انصاری تعبیر دارد: روایات مستفیض اگر نگوییم متواتر) اما ایشان می گوید نه، و ان اشتهر بینهم ثبوت ادلة دالة على التخییر (حالا برخی گفته اند به نحو اطلاق مثل جناب آقای آخوند و برخی گفته اند در متعادلین) لکن الظاهر عدم ثبوت ذلك اگر بپرسید

ایشان آن هشت یا نه روایت را چه می کند؟ پاسخ این است که ایشان هم همان راه آقای خوئی را می رود، با همان روش مدرسه ای، یکی دلالت ندارد، یکی سند ندارد، یکی هیچ کدام را ندارد، یک را حمل بر تخییر واقعی می کند که قبلا از آقای خوئی نقل شد. به هر صورت ایشان این نتیجه را می گیرد و بخشی از روایات از صحنه خارج می شود، روایات احتیاط را هم که از زراره بود ایشان قبول ندارد و خلاصه می گوید دو گروه روایت در صحنه وجود دارد. برخی روایات دال بر توقف است و برخی از روایات دال بر ترجیح به نوالمزیت است. حالا می خواهیم تقسیم کنیم که کدام برای توقف، کدام برای ترجیح و کدام برای هر دو، این جا است که ایشان وارد بیان صورت ها و اقسام می شود. می فرماید: لازم است که بحث را در دو مقام بررسی کنیم: بر فرض تعادل و بر فرض عدم تعادل.

اما بر فرض تعادل (ما اضافه می کردیم که یا هیچ کدام بر دیگری مزیت ندارد یا هر کدام مزیتی دارند که یکدیگر را به تعادل می رسانند): در این جا یا در فرض امکان رفع جهل است (انفتاح باب علم، زمان معصوم است) یا در فرض انسداد. اگر فرض انفتاح باشد یا امکان توقف و احتیاط هست یا نیست. اما صورت انفتاح و امکان احتیاط و توقف سهم را به ادله ی توقف می دهیم چون فرض این است که امکان رفع جهل هست و ادله ی ترجیح هم که در این جا نمی آید چون فرض این است که هیچ کدام بر دیگری مزیت ندارد پس باید توقف کنیم تا به معصوم برسیم، احتیاط می کنیم تا واقعه روشن شود. اگر توقف و احتیاط هم ممکن نباشد روشن است که تخییر عقلی می آید البته همین جا که تخییر عقلی می آید احوط این است که آن را بگیرد که مطابق اصل یا مطابق یک قاعده است را بگیرد.

اما اگر فرض انسداد است. دو روایت متعادل، امکان رفع جهل هم نیست در این جا ایشان می گوید باید به سراغ قاعده برود و قاعده تخییر است البته ایشان می گوید این فرض از ادله ی اخبار علاجیه خارج است (یعنی داخل در اخبار تخییر است؟ شما که گفتید ادله ی تخییر ثابت نیست. ممکن است بگوییم اصلا داخل در اخبار علاجیه نیست که اگر اینطور باشد باید اصل تساقط باشد نه تخییر مگر این که بگوییم ایشان از کسانی است که قائل است اصل فارغ از اخبار هم تخییر است) پس اخبار تخییر خداحافظ، می ماند اخبار توقف و ترجیح. در فرض تعادل که جای اخبار ترجیح نیست و خودش دو صورت دارد اگر امکان رفع جهل و امکان توقف و احتیاط باشد در این صورت باید توقف کند. اگر امکان رفع جهل باشد ولی عدم امکان احتیاط در این جا باید قائل به تخییر شویم. در فرض انسداد هم که اصلا از اخبار علاجیه خارج است و قائل به تخییر می شویم. یعنی در فرض تعادل دو صورت درست می کند و صورت اول را هم دو صورت می کند که مجموعا می شود سه قسم. قسم اول توقف و دو قسم بعد تخییر.

این تمام کلام در فرض تعادل متعارض ها اما فرض مهم، فرض رجحان است حالا رجحان را هرچه قبول کنیم (از طریق مقبوله جلو بیاییم، یا مرجحات غیر منصوصه را بپذیریم یا فقط دو مورد را بپذیریم). ایشان مثل فرض تعادل تقسیم می کند به فرض انفتاح و انسداد چنانکه فرض انفتاح را هم تقسیم می کند به امکان احتیاط و عدم امکان احتیاط (همان کاری که در فرض تعادل کرد).

در فرض رجحان و انسداد که نمی توانیم رفع جهل کنیم حجت دیگری هم نداریم که برای ما مشخص کند معتبر واقعی را از غیر آن؛ ایشان می فرماید باید اخذ به ذو المرجح کرد. اگر بپرسید چرا توقف نمی کنید (مخصوصا در فرضی که می شود توقف کرد) ایشان پاسخ می دهد چون دلیلی بر توقف نداریم. اگر بگویید روایات توقف می گوید: روایات توقف اختصاص دارد به فرض انفتاح.

اما در فرض رجحان و انفتاح باب علم و سؤال معصوم یا حجت معتبر: در این جا اگر احتیاط ممکن است مثل مسأله ای که عجله ای در عمل به آن نیست مثل تقسیم ارث در این جا هم می شود توقف کرد و عملا احتیاط کرد هم می شود اخذ به ذو المرجح کرد چون هم دلیل توقف در این جا جریان دارد هم دلیل اخذ به ذو المرجح. طوری هم نیست که بگوییم حتما باید یکی را جاری کنیم. ایشان می گوید اگر شما روایات توقف را در این جا جاری نکنید و بگویید در مورد ذو الترجیح نیست پس کجا می خواهید جاری کنید؟ در غیر ذو الترجیح مورد خیلی کم است (در همین جا هست که ما از ایشان جدا می شویم) فحیث لا يمكن تخصيص اطلاق التوقف بغیر ذی الترجیح لقله عدم وجود الترجیح پس ادله توقف را نمی توانید در این جا نیاورید و بگویید می بریم در فرض تعادل، ادله ی ذو الترجیح هم که می آید چون اگر نیاید پس کجا برود؟ فقط برود در فرض انسداد در حالی که یکی از ادله ی ترجیح که دلیل اصلی هم است یعنی مقبوله ی عمرین حنظله در فرض انفتاح است و لا يمكن تخصيص ادلة

الترجيح بما اذا سد العلم بالحكم في المسألة پس بايد اين هم بيايد. وقتی هر دو آمدند بايد بگويم اگر مقلدی بخواهد عمل کند مخير است هر کدام را می خواهد عمل کند و اگر مجتهد باشد توقف را بگيرد و فتوا به توقف بدهد يا روايت ذوالترجيح را بگيرد و به ذوالترجيح فتوا بدهد. در اين جا سؤال دوم مطرح می شود و آن اين است که اخبار توقف می گوید فقط من و اخبار ترجيح می گوید فقط من پس چطور شما می گوید هر دو بيايد و مجتهد مخير است هر کدام را خواست بگيرد؛ ايشان پاسخ می دهد خیر، کجا دليل توقف دلالت می کند فقط من؟ کجا دليل اخذ به ذو الترجيح می گوید فقط من؟ ان مقتضى ادلة الترجيح ليس الا حجية ذی الترجيح لا وجوب العمل به این ذو الترجيح. یعنی ادله اخذ به ذو الترجيح جلو عمل به احتياط را نمی گيرد و فرض این است که امکان احتياط هست از آن طرف دليلی که امر به توقف می کند می گوید: ليس مقتضى الامر بالتوقف هو الوجوب بل مفاده البعث الى التوقف و هو حجة على الوجوب ما لم تقم قرينة على الجواز و در اين جا اخذ به ذو المرجح قرينه بر جواز است.

می ماند یک صورت ديگر و آن هم صورت رجحان انفتاح و عدم امکان احتياط: در اين صورت می شود اخذ به ذو الترجيح کرد و می شود هم به دليل توقف تمسک کرد منتهی در اين جا فرض این است که نمی شود گفت اخذ به دليل توقف کند و احتياط کند در اين جا بايد بگويم در عمل مخير است. و اما في ما لا يمكن فيه الاحتياط فالظاهر هو التخيير بين التوقف و التخيير في العمل و الاخذ بالترجيح.

در اين جا می گويم شما اصلا سراغ ادله ی توقف نرويد و فقط اخذ به ذو الترجيح کنید. ايشان پاسخ می دهد پس موثقه ی سماعه را چه کنیم که میگفت توقف؟ می گويم اختصاصش می دهيم به صورت امکان احتياط. می گوید: موردش کم می شود. و ذلك لأنه لا يمكن حمل موثقة سماعه على غير ذی الترجيح و لا يمكن حمل دليل الترجيح في قبال توقف على صورة امکان الاحتياط.